

عنوان مقاله:

بررسی رساله فی حقیقه‌العشق سهروردی بر اساس کهن الگوهای یونگ

محل انتشار:

اولین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

زهره منوچهری - مدرس دانشگاه

خلاصه مقاله:

از خیال انگیزترین رساله های رمزی سهروردی فی حقیقه‌العشق است. شیخ در این رساله، برای بیان اندیشه ها و دریافت های عمیق فلسفی- اشراقی خود، داستان عاشقانه یوسف و زلیخا را تاویل کرده است؛ بنابراین با توجه به درونمایه نمادین، داستانی که شیخ اشراق روایت کرده این قابلیت را دارد که با نگرشی کهن الگویی مورد نقد و تحلیل قرار گیرد. از آنجا که بنابر رویکرد تحلیلی یونگ، تمامی عناصر و شخصیت های یک داستان نمادین، اجزا و پاره های روانی یک شخصیت واحد (نویسنده) هستند، این داستان را می توان شرح سفر معنوی خود شیخ (سالک) دانست. قهرمان داستان (عشق) در چرخه کمال خود که از عالم عقل (خودآگاه) آغاز می شود، پس از رویارویی و غلبه بر سایه ها (موانع عالم محسوس) با آنیمای روان ناخودآگاهی خود (زلیخا) دیدار می کند و با همراهی او به بارگاه عزیز مصر راه می یابد. داستان با جلوس نمادین یوسف و زلیخا بر تخت سلطنت (نماد به فردیت رسیدن) و سجده یعقوب به همراه خانواده بر آنان پایان می پذیرد. نکته برجسته ای که در این داستان وجود دارد آن است که زلیخا، برخلاف اصل داستان، در نقشی پسندیده (آنیمای مثبت) ظاهر می شود؛ کسی که لایق عشق آسمانی است و اوست که قهرمان (من- عشق) را به سمت معشوق ازلی (خود- یوسف) و یکی شدن با او هدایت می کند.

کلمات کلیدی:

سهروردی، فی حقیقه‌العشق، کهن الگو، سفر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/777931>

